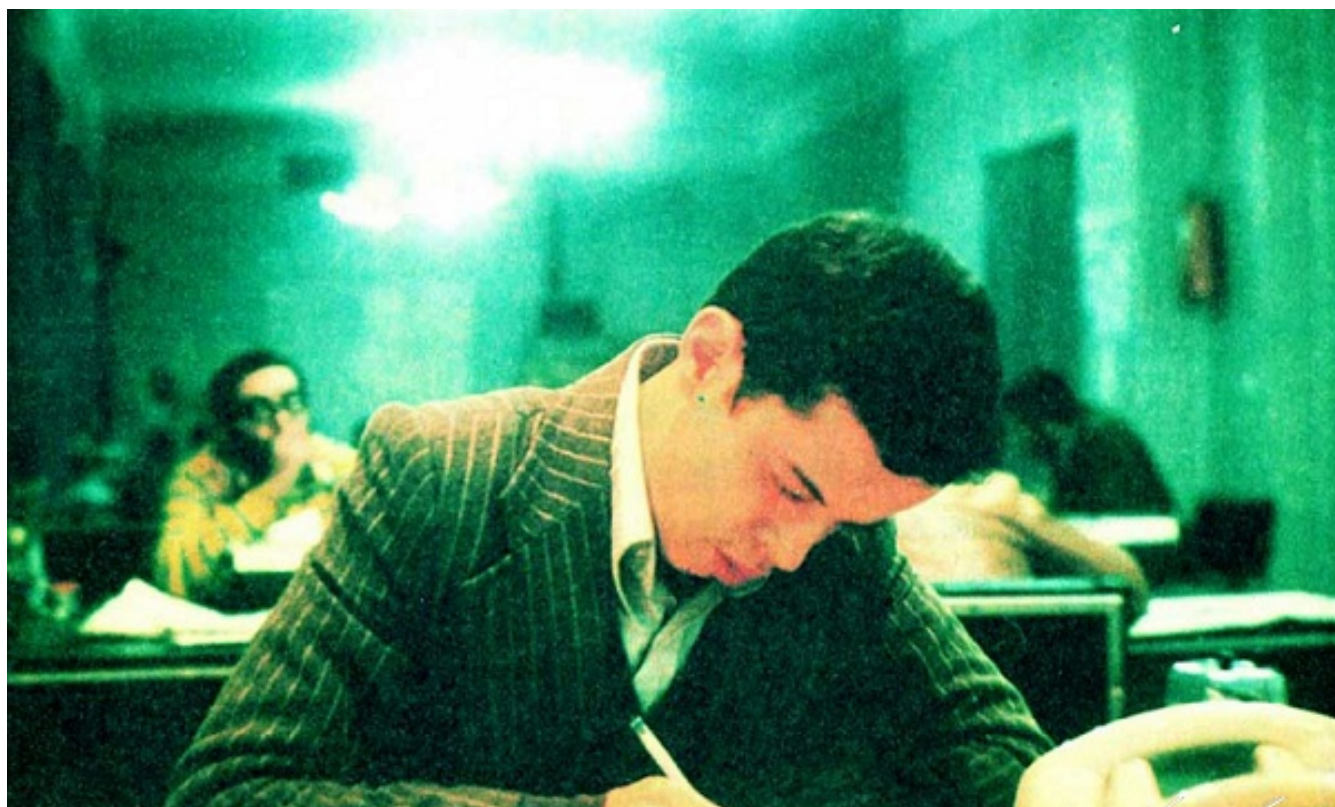


## خبرنگاری که نابغه جنگ شد/تصاویر

۱۸ مرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۰۲

سردار اسدی می‌گوید: روزهای اول جنگ بود. دیدم نوجوانی یک چهارپایه گذاشته زیر پایش و روی دیوار نقشه می‌چسباند. پیش خودم گفتم دلشان خوش است آمده‌اند جنگ. جنگ تیر و تفنگ می‌خواهد!

فرمانده نیروی زمینی سپاه و طراح بسیاری از عملیات‌های دوران دفاع مقدس، خبرنگاری به نام "غلامحسین افشردی" است. او اولین خبرنگار جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب بود که در سفر خارجی مسئولان به الجزایر حضور داشت و در حادثه طبس به عنوان اولین خبرنگار در محل حادثه بود.



ماجرای تشکیل اتاق خبر در جنگ

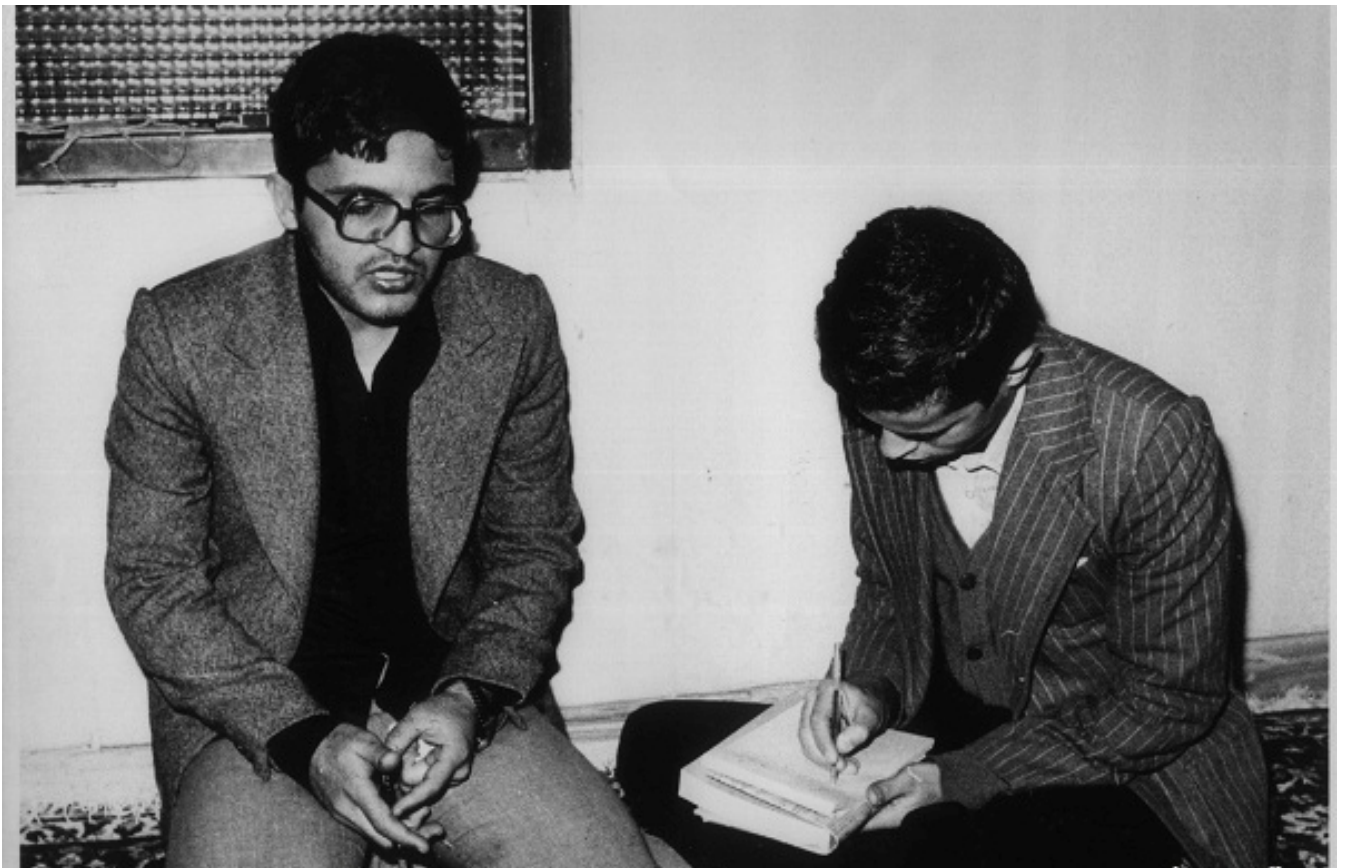
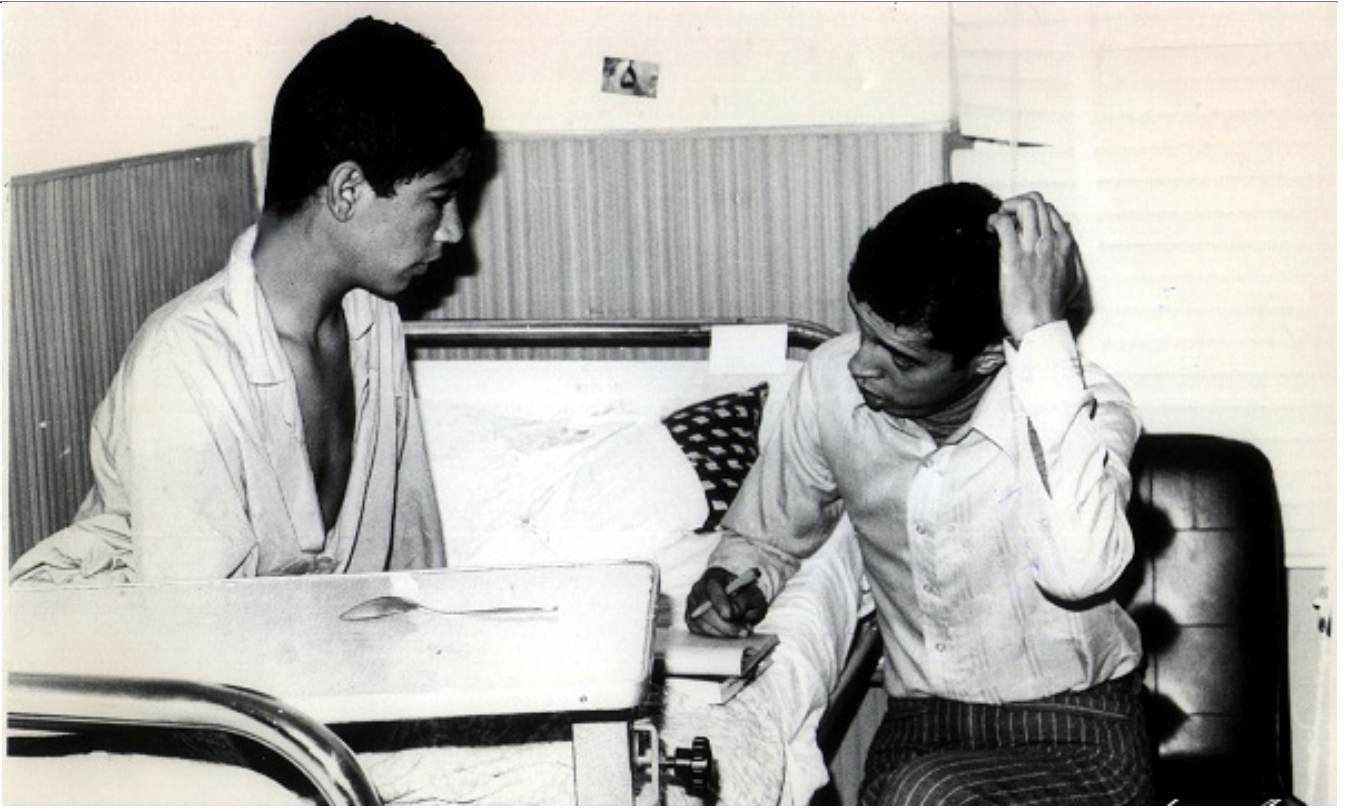
احمد دهقان نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس در یادداشتی آورده است: به هنگام هجوم ناگهانی دشمن در سال ۱۳۵۹، از

گوشه و کنار کشور، عده‌ی بسیاری راهی جبهه‌ها شدند. حسن باقری در جنوب همه را بهت‌زده یافت. مسئولین سردرگم بودند و مردم، وحشت‌زده از بمباران‌های متوالی، در فکر راه چاره برای پنهان شدن یا فرار از شهر بودند. حتی نیروهای ارتش نیز واحدهای معدودی را در مرزها قرار داده بودند و ارتش عراق با در هم شکستن مقاومت آن‌ها، با دوازده لشکر در حال پیشروی بود.

در اهواز شایعات مختلفی پخش شده بود. هیچ‌کس از مقامات مسئول از میزان پیشروی دشمن خبر دقیقی نداشتند. گاه بعضی از شهرها و نقاط مهم مرزی از دست‌رفته قلمداد می‌شد و بعد خبر جدیدی می‌آمد که آن منطقه در دست نیروهای خودی است و چند نفری در حال مقاومت هستند. اخبار متناقض، مسئولین نظامی و شهری را سردرگم کرده بود.

حسن باقری، برخلاف بسیاری از مبارزان که دارای نام‌های مشهوری نیز بودند، تفنگ به دست نگرفت و به مقابله با تانک‌های دشمن نشتافت. او راهی دیگر برگزید و این مسیر متفاوت و استثنایی، آغاز راهی بود که درباره‌ی آن بسیار گفته شده است. بهترین کار را در شناسایی دشمن دانست و در این راه، تجربیات کوتاه‌مدت در واحد اطلاعات سپاه پاسداران، روزنامه‌نگاری و... به کمکش آمدند. گویی دست تقدیر، غلامحسین افشردی را به راه‌هایی کشانده بود که در جنگ، حسن باقری را بسازد!

او یک اتاق را به‌عنوان اطلاعات نظامی انتخاب کرد. نقشه‌های منطقه را دورتادور دیوار چسباند و آخرین اخبار نبرد را روی نقشه پیاده کرد. ابتدا خودش و چند نفری که به او ملحق شدند، با موتور، ماشین و هر وسیله‌ای که داشتند، به محورهای ورودی دشمن می‌رفتند و به جمع‌آوری اطلاعات می‌پرداختند. بلافاصله ارتباط با مراکز مختلف در استان خوزستان و تهران برقرار شد تا اطلاعات ردوبدل شود. هنوز یک هفته از شروع جنگ نگذشته بود که این اتاق، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی به‌شمار می‌رفت. آن‌ها می‌توانستند بفهمند دشمن در کجاست، چه تعداد نیرو دارد، هدفش چیست، برای چه آمده است، تا کجا می‌خواهد برود و... همان چیزهایی که او در دوره‌ی کوتاه روزنامه‌نگاری آموخته بود! گویی تمام تجربیات گذشته (که در ظاهر، پراکنده و نامربوط به نظر می‌آمدند) برای چنین روزهایی اندوخته شده بود





بسمه تعالی

# جمهوری اسلامی

دانش خرم جمهوری اسلامی

نام غلامحسین .....

نام خانوادگی افشبردی .....

شماره شناسنامه ۴۸۸۸! تاریخ تولد ۱۳۳۴ .....

نام پدر مجید .....

سببت خیرنگار .....

شماره کارت ۲۴۸ .....

سردار سرتیپ "محمدجعفر اسدی" از فرماندهان زبدهی دفاع مقدس، آن روزها را چنین روایت کرده است: «آمدیم گلف. روزهای اول جنگ بود. دیدم نوجوانی یک چهارپایه گذاشته زیر پایش و روی دیوار نقشه می چسباند. پیش خودم گفتم دلشان خوش است آمده اند جنگ. جنگ تیر و تفنگ می خواهد! تا آن موقع، پشتش به ما بود. وقتی برگشت، دیدم جوانی است که حتی محاسنش کامل نشده. با او صحبت کردم و او گفت هر روز یک گزارش به من بدهید و ما باید در جریان ریز کارهای جبهه‌ی فارسیات باشیم. در همین حین، چشمش به نوشته‌ای افتاد: ۲۰ درصد اطلاعات + ۸۰ درصد عملیات = ۱۰۰ درصد پیروزی. کاغذ را از روی شیشه کند و گفت: این فرمول غلط است. اطلاعات و عملیات مقوله‌ی جداگانه‌ای هستند و من می گویم اطلاعات ۱۰۰ درصد است. با دلایلی که آورد، دیدم عجب آدم فهمیده‌ای است. بعد همه‌ی اطلاعاتی را که ما می دادیم، می آورد روی نقشه و دست ما را گذاشت توی دست بچه‌های ستاد خراسان. آن‌ها جلوی کارخانه‌ی نورد جبهه داشتند و ما در فارسیات بودیم و هر کدام فکر می کردیم دیگری عراقی است! بعد فهمیدیم که حسن باقری در همان اتاق همه چیز را می بیند، درحالی که ما در صحنه‌ی نبرد و روی زمین نمی دیدیم».

منبع: دفاع پرس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/31183/تصاویر-جنگ-نابغه-خبرنگار/31183>